

شناخت و تحلیل چگونگی تفسیر آیات قرآن در متون نثر عرفانی

غیرتفسیری پارسی

روح‌الله هادی*

محمدباقر وزیریزاده**

چکیده:

علاوه بر متون تفسیری که اختصاص به تفسیر آیات قرآن دارند، متن‌های غیرتفسیری هم در لابه‌لای مطالب خود دارای تفسیرهایی پراکنده از آیات قرآن‌اند که از این منظر تاکنون بدان‌ها توجه نشده است. بررسی و استخراج و تحلیل این تفاسیر علاوه بر آگاهی یافتن از میزان و مآخذ اطلاعات قرآنی نویسندگان، گامی است در جهت توسعه منابع تفسیر به خصوص متون متقدم نثر پارسی که به دلیل نزدیکی بیشتر نویسندگان آن‌ها با عصر نزول قرآن اطلاعات تفسیری نسبتاً دقیق‌تر و صحیح‌تری را عرضه می‌کنند. از جمله این متون، آثار عرفانی پارسی است که به آیات قرآن و تفاسیر لطیف و عمیق آن به شیوه‌های گوناگون آراسته‌اند، و مانند کتاب‌های تفسیر ارزش کنکاش و بررسی دارند. از آن‌جا که قدیم‌ترین این آثار که به دست ما رسیده، متعلق به قرن پنجم هجری است، در این مقاله کمیت تفاسیر موجود در آثار متصوفه و عرفای ایرانی غیر مفسر (به معنای مصطلح) از این زمان تا نیمه قرن ۶ به روش استقراء تام بررسی، و سپس تجزیه و تحلیل شده است. شایان ذکر است که طی بررسی انجام گرفته در متون عرفانی نثر پارسی در این دو قرن (حدود سی اثر) با احتساب آیات تکراری مجموعاً ۹۲۵ آیه تفسیر شده است که این رقم تقریباً معادل یک‌هفتم آیه‌های قرآن است. این آیات به نه روش یا گرایش تفسیر شده‌اند که بیشتر تفسیرها عرفانی و کمترین تفسیر، به شیوه کلامی و قرآن با قرآن است. شیوه استنباطی نوعی خاص در تفسیر قرآن است که در بعضی از این آثار دیده می‌شود. وجود شیوه‌ها و گرایش‌های گوناگون تفسیری نشان از آگاهی و استفاده عرفا و صوفیه از این شیوه‌ها دارد. کمیت و کیفیت تفسیرهای موجود در آثار و نسبت آن‌ها با متون به وسیله نمودارهای گوناگون نشان داده شده و با تحلیل همراه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: تفسیرهای عرفانی، نثر عرفانی فارسی، متون غیرتفسیری، گرایش‌ها و شیوه‌های تفسیری، متون فارسی قرن پنجم و ششم هجری.

*. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران / rhadi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران / vaziri60@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسأله

تفسیر قرآن یکی از شاخه‌های علم حدیث به شمار می‌رود و قدمت آن به زمان نزول قرآن و دوره رسالت پیامبر اسلام (ص) می‌رسد. این امر یکی از منابع مهم برای کشف احکام شرعی در دانش فقه است. از سوی دیگر تمام متفکران اسلامی از قبیل متکلمان، محدثان، مورخان و عارفان همواره به تفسیر قرآن توجه داشته و از آن برای اثبات و ارائه نظریات خود بهره می‌جسته‌اند. البته برخی پا را از این حد فراتر گذاشته و ضمن اطلاع از تفاسیر قرآن با روش فکری و دیدگاه خود و گاهی هم به سلیقه شخصی به تفسیر آیات قرآن می‌پرداختند که علت اصلی این موضوع، عدم اقناع این مفسران از تفاسیر موجود تا زمان خود و اعتماد قوی بر آرا و ادراک‌های باطنی و عقلی یا فهم خویش است.

از مشهورترین این افراد در طول تاریخ اسلام، عرفا و صوفیه هستند که علاوه بر توجه به ظاهر قرآن با روش خاص تربیتی و فکری (تأویلی و باطنی) خود، مراد آیات را در باطن آن می‌جویند تا جایی که بعضی از آنان مانند میبدی یا صفی‌علیشاه تمام قرآن را بدین روش تفسیر می‌کنند. گذشته از متون تفسیری که اختصاصاً به منظور تفسیر قرآن نگاشته شده‌اند، تفسیرهای پراکنده از آیات قرآن در متون غیرتفسیری عرفانی نیز وجود دارد که بعضاً به قلم خود نویسنده صورت گرفته است. جمع‌آوری این تفسیرها و بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی آن‌ها علاوه بر افزودن به دامنه و حجم تفاسیر قرون گذشته، سبب فهم بهتر این متون و روشن شدن میزان آگاهی‌های دینی نویسندگان آن‌ها، و تأثیر قرآن بر متون ادب پارسی خواهد بود.

نکته دیگری که باید یادآور شد این که به سبب اهمیت فراوان قرآن و تقدس آن در تمام دوران تمدن اسلامی، تفسیر آیات قرآن در یک متن نشان‌دهنده مقدار آگاهی مؤلف از معانی و مضامین قرآنی جدا از ابعاد علمی، ادبی، عرفانی و یا سخنوری اوست. بی شک این امر برای نویسنده مقبولیتی ویژه در میان مخاطبانش پدید می-

آورد؛ به دیگر سخن، وجود تفاسیر پراکنده در لابه‌لای مطالب کتاب، ضریب اطمینان خواننده‌ی مسلمان را نسبت به درستی و حَقانیت بقیه‌ی مطالب آن بالا برده و به نوعی و تا اندازه‌ای برای آن متن تقدّس می‌آفریند، به‌خصوص که متن نوشته‌ای عرفانی و برای تربیت مریدان یا اطلاع آنان نوشته شده باشد. این امر دو نتیجه‌ی منطقی و حتمی داشته که همواره مورد نظر اولیای تصوّف نیز بوده است: نخست حاکمیت افکار نویسنده‌ی عارف یا صوفی بر ذهن خواننده‌ی اثر با ایجاد یک فضای نسبتاً معنوی در متن، و دیگر بالا بردن امکان ماندگاری آن. نگارندگان متون عرفانی از مخالفان فکری و بعضاً سیاسی خود به‌خوبی آگاهی داشته و تفسیر قرآن را چاشنی مطالب عرفانی خود می‌کرده‌اند، تا ضمن اعلام ایمان خویش به کتاب خدا، علاوه بر نفوذ بیشتر در مریدان، اسباب بقای آثار خویش را فراهم کنند. نگارندگان امیدوارند توانسته باشند با انجام شایسته این تحقیق، اهمیت توجه به متون غیرتفسیری دیگر را در زمینه‌ی تفسیر آیات قرآن و لوازم و نتایج این امر نشان دهند.

فرضیه‌ی پژوهش

فرضیه‌ی ما این است که نثرهای عرفانی قدیم فارسی به‌شکل پراکنده به تفسیر آیات قرآن پرداخته‌اند، و اصولاً چون در نثر عقلانیت و تفکر بیشتر از نظم و شعر حاکم است، آیات مورد استشهاد نگارندگان با گرایش‌ها و شیوه‌های گوناگون و معتبر تفسیر شده‌اند. از این رو تفاسیر مندرج در این متون قابل ارزیابی و مقایسه با تفاسیر موجود در کتب تفسیری هم‌عصر خود می‌باشد.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی این است که: آیات قرآن در متون نثر عرفانی چگونه تفسیر شده‌اند؟ انواع این تفسیرها کدام است؟ و پرسش‌هایی که در ذیل پرسش اصلی قرار می‌گیرند

این‌که: کمیت هریک از این شیوه‌ها چه اندازه است؟ دلیل شباهت‌ها و تفاوت‌ها، در کیفیت و کمیت تفسیر آیات در متون یاد شده چیست؟

پیشینه پژوهش

این موضوع با چنین دامنه‌ای هیچ پیشینه‌ای ندارد اما در حوزه کلیات مواردی یافته می‌شود که به برخی اشاره می‌شود:

- تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، نوشته پل نوپا، ترجمه اسماعیل سعادت، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ نخست، تهران ۱۳۷۳.

- تفسیر کلمات قرآنی در ادب صوفیانه (پایان‌نامه)، نگارش هادی اکبرزاده، به راهنمایی محمد فاضلی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ۱۳۸۳. (این پایان‌نامه منحصر به آثار سنائی، عطار، مولانا و حافظ است که بیشترشان منظوم هستند).

- بررسی شیوه‌های تفسیر و تأویل آیات در کشف‌المحجوب هجویری (پایان‌نامه)، نگارش سید جواد حیدری، به راهنمایی محمود مهرآوران، دانشگاه قم ۱۳۸۷.

بررسی و تحلیل آماری تفسیر آیات قرآن در متون غیرتفسیری

آثار منشور عرفانی فارسی (به غیر از تفاسیر) از آغاز تا قرن ششم، روزگار حکومت سلجوقیان، در این پژوهش مورد مطالعه دقیق قرار گرفته و تفسیر آیات قرآن از آن‌ها استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل شده است. این آثار به ترتیب تاریخی عبارت‌اند از:

- نور العلوم از ابوالحسن خرقانی (م. ۴۲۵) که منتخب آن در دست است.

- حی بن یقظان از ابن سینا (م. ۴۲۸)

- شرح تعرف از مستملی بخاری (م. ۴۳۴)

- آثار مربوط به شیخ ابوسعید ابوالخیر (م. ۴۴۰)^۱ شامل: اسرار التوحید از محمد

بن منور و حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر از جمال‌الدین ابوروح و کتاب چشیدن طعم وقت؛ از میراث عرفانی ابوسعید ابوالخیر از شفیعی کدکنی

- ترجمه رساله قشیریه (ابوالقاسم قشیری م. ۴۶۵)
- کشف‌المحجوب از جلابی هجویری (م. ۴۷۰)
- آثار خواجه عبدالله انصاری (م. ۴۸۱) شامل: طبقات الصوفیه و مجموعه رسائل فارسی بعلاوه کتاب در هرگز و همیشه انسان؛ از میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری از شفیع کدکنی
- مجموعه آثار فارسی احمد غزالی (م. ۵۲۰)
- آثار عین‌القضات (نامه‌ها + تمهیدات + رساله لویح) (م. ۵۲۵)
- آثار پارسی خواجه یوسف همدانی (م. ۵۳۵) شامل: رتبه الحیات و مجالس
- آثار احمد جام معروف به ژنده‌پیل (م. ۵۳۶) شامل: کنوز الحکمة، روضه المذنبین و جنة المشتاقین، بحار الحقیقه، انس الثائبین، مفتاح النجات، سراج السائرين و رساله سمرقندیه. علاوه بر این‌ها کتاب مقامات ژنده‌پیل چون تألیف آن توسط سدیدالدین محمد غزنوی، شاگرد شیخ احمد، در زمان خود شیخ آغاز شده (و در حدود ۵۷۰ پایان یافته) قابل بررسی است.
- ألتصفیه فی أحوال المتصوفه و مناقب الصوفیه از ابوالمظفر العبادی (م. ۵۴۷)
- مکاتیب حکیم سنائی غزنوی (م. بین ۵۲۵ و ۵۴۵)
- مجالس از عارفی ناشناخته (قرن ۶)
- علاوه بر کتاب‌های نامبرده، دو رساله فارسی کهن در تصوف در یک نسخه (توینگن مورخ ۵۴۳ هجری) وجود دارد که توسط شادروان احمدعلی رجائی بخارائی تصحیح شده و به چاپ رسیده: منتخب رونق المجالس از فردی ناشناس و بستان العارفین و تحفة المریدین از ابوالفضل محمد بن احمد الطبسی (م. ۴۸۲)
- کلیه این آثار سطر به سطر مطالعه و تفاسیر موجود در آن‌ها استخراج و بررسی گردید. این بررسی نشان داد که این آثار با احتساب آیات تکراری مجموعاً تفسیر

۹۲۵ آیه را در بر دارند که این رقم تقریباً معادل یک‌هفتم آیه‌های قرآن است. آمار تفصیلی تفاسیر آیات در کتاب‌های یادشده و انواع آن‌ها به شرح جدول زیر است:

روش‌ها و گرایش‌های تفسیری										نام اثر (عرفانی فارسی غیرتفسیری) (قرن)	تعداد آیت تفسیر شده
عقلی	تقلی	عرفانی	قرآن با قرآن	ادبی	کلامی	اخلاقی	ترکیبی	استنباطی	شان نزول		
										۰	حی بن یقطان (۵)
		۱۸۵	۵	۲۹	۱۱	۰	۲۹	۵	۲۳	۳۸۳	شرح تعرف (۵)
		۱۴	۰	۳	۰	۳	۷	۲	۰	۴۸	ترجمه رساله قشیریه (۵)
		۱۲	۱	۳	۰	۰	۱	۱	۱	۳۰	کشف‌المحجوب (۵)
		۸	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱۳	طبقات الصوفیه (۵)
		۵	۰	۱	۰	۲	۱	۱	۰	۱۳	مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری (۵)
		۴	۰	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۱۵	در هرگز و همیشه انسان (۵)
		۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	مجموعه آثار فارسی احمد غزالی (۶)
		۳۰	۶	۸	۰	۳	۲	۳	۰	۹۲	نامه‌های عین‌القضات (۶)
		۳۲	۰	۰	۰	۱	۹	۰	۰	۶۵	تمهیدات (۶)
		۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰	رساله لوائح (۶)
		۶	۰	۱	۰	۲	۱	۰	۰	۱۳	رتبه الحیات (۶)

۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۲	مجالس خواجه یوسف (۶)
۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۳	۷	۱۴	مفتاح النجات (۶)
۳	۲	۱	۳	۰	۰	۱	۱۵	۱	۱۵	۵۵	انس الثائبین (۶)
۱	۱	۱	۲	۰	۰	۱	۴	۳	۰	۲۱	روضه المذنبین (۶)
۰	۳	۱	۳	۰	۰	۰	۴	۱	۳	۲۰	کنوز الحکمة (۶)
۰	۱	۲	۰	۲	۰	۰	۴	۱	۳	۲۲	بحار الحقیقة (۶)
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۳	۷	سراج السائرین (۶)
۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۷	۰	۲	۱۲	رسالة سمرقندیه (۶)
۳	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۵	۲	۲	۱۲	التصفیة (۶)
۲	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۷	۰	۲	۱۲	مناقب الصوفیه (۶)
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	مکاتیب سنائی (۶)
۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱۰	۲	۰	۱۷	اسرار التوحید (۶)
۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	حالات و سخنان ابوسعید (۶)
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	چشیدن طعم وقت (۶)
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۴	مجالس عارفی ناشناخته (۶)
۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۵	منتخب روتق المجالس (۶)
۲	۰	۳	۴	۰	۰	۰	۷	۷	۵	۳۲	بستان العارفین و تحفة المریدین

											(۶)
											منتخب نور العلوم (۶)
۳۷	۲۱	۶۲	۲۵	۱۵	۴۸	۱۵	۳۶۷	۹۵	۱۶۸	۹۲۵	جمع کل ستون‌ها
۴٪	۲٪	۷٪	۳٪	۲٪	۶٪	۲٪	۴۳٪	۱۱٪	۲۰٪		درصد ارقام

یادآوری ۱- برخی از این کتاب‌ها حاوی تفسیری از آیات قرآن نبودند. این کتاب‌ها عبارت‌اند از: حیی بن یقظان، منتخب نورالعلوم خرقانی، برخی رسائل خواجه عبدالله انصاری و مقامات ژنده‌پیل. همچنین در همه آثار فارسی احمد غزالی تفسیر وجود ندارد. یادآوری ۲- چون برخی از آیات با هم تفسیر شده و دارای یک تفسیر واحدند و یا یک آیه تکرار شده و تفاسیر متعددی دارد، تعداد آیات تفسیر شده در یک متن با مجموع اعداد مربوط به آن در این جدول ضرورتاً برابر نیست.

روش‌های تفسیری به کار رفته در متون غیرتفسیری

بررسی تفاسیر به دست آمده از متون مورد تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفان با توجه به آموخته‌ها، علاقه‌مندی‌ها و انگیزه‌های سلوکی و معنوی از ۹ روش یا گرایش در تفسیر آیات استفاده می‌کنند. این شیوه‌ها عبارت‌اند از: عرفانی (کشف و شهود)، عقلی، نقلی (روایی)، ادبی، اخلاقی (حکمی)، کلامی، قرآن با قرآن، ترکیبی (جامع) و استنباطی. پیش از بررسی روش‌ها و گرایش‌های یادشده، توضیح دو نکته درباره این انواع ضروری می‌نماید:

نکته نخست: مقصود از ترکیبی شیوه‌ای است که از دو یا چند روش پدید آمده باشد؛ برای مثال در عین روایی بودن گرایش عرفانی نیز داشته باشد، یا تفسیری مرکب از روش عقلی و ادبی باشد.

نکته دوم: استنباطی پیشنهاد نگارندگان برای تفسیرهایی است که نویسندگان کتاب‌ها در تفسیر آیه از شیوه‌های شناخته‌شده استفاده نکرده‌اند، و بی آن‌که سخن آن‌ها مخالف شرع و عرف باشد، استنباط شخصی خویش را از مفهوم آیه بیان کرده-

اند. این شیوه معمولاً به تفسیرهای شاذ و در برخی جاها بدیع از آیات قرآن می-انجامد.

تحلیل کمی و کیفی روش‌ها

۱- **تفسیر عرفانی:** تفسیر عرفانی آیات که مبتنی بر تأویل است، در تمامی این کتاب‌ها جز رسالهٔ قشیریه بر سایر انواع غلبه دارد. شمار ۳۷۷ تفسیر عرفانی از آیات قرآن در حدود ۳۰ کتاب نشان می‌دهد که در هر کتاب می‌توان تفسیر عرفانی تقریباً ۱۳ آیه از کلام خداوند تبارک و تعالی را مشاهده کرد؛ کار ارزشمندی که تأمل در آن فهم ما را از قرآن و معارف صوفیه تا حد قابل‌توجهی افزایش می‌دهد و امکان مقایسهٔ این اقوال را با تفسیرهای عرفانی هم‌عصر و پیش‌تر از آن‌ها را که قدیمی‌ترین آن‌ها منسوب به امام صادق(ع) است، فراهم می‌سازد. دلیل این فراوانی را در این اصل باید یافت که بنای کار عرفا و متصوفه بر شهود و باطن‌گرایی است، و این نگرش در تفاسیرشان نیز انعکاس و تسری یافته است. ایشان غالباً اهتمام در کشف بطون قرآن داشته، و معارف و اصول طریقت خویش را بر اساس این ادراک غیبی بنیان می‌نهادند.

از سوی دیگر، باید بدین نکته توجه کرد که عرفا در نوشته‌هایشان با استناد فراوان به آیات قرآن می‌کوشیده‌اند تا بدگویی مخالفان خصوصاً متشرعه و اهل ظاهر را که همواره سبب شورش عوام علیه ایشان می‌شده است، کم کنند و نشان دهند که در ایمان به خدا و نبوت و... با آنان همراه هستند. می‌توان ادعا کرد که یکی از رازهای حفظ سخنان ابوسعید تا دو قرن پس از وی، و مصون ماندن آثار عین‌القضات با داشتن آن‌همه مخالف سیاسی و دینی، و ماندگاری کتاب‌های بازماندهٔ شیخ جام با وجود مخالفت‌های شدید خانقاه‌داران کرامی خراسان با وی، همین تمسک به قرآن در بیان اندیشه‌هاست. نمونهٔ این شیوهٔ تفسیر را با هم بخوانیم: «أَنْصُرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتَحَ قَرِيبُ (۱۳/۶۱) فَتَحَ أَنْ بُوَدَ كَه قَفْلٍ اَز دَل بَر دَارَنَد.» (نامه‌های عین‌القضات، ۲۹۶/۱)

۲- تفسیر عقلی: بعد از تفسیرهای عرفانی، بیشترین رقم متعلق به تفاسیر عقلی (۱۶۸ مورد) است. آنچه در این باره می‌توان گفت این است که عارفان با آن‌که برای کشف، الهام و شهود اعتبار بیشتری نسبت به عقل قائل‌اند، اما عقل را در جایگاه خود قابل استناد می‌دانند و وجود این شمار از تفسیر عقلانی آیات قرآن که در بیشتر کتاب‌ها هم دیده می‌شود، گواه صادقی بر این مدعاست. نکته دیگری که در مطالعات بعدی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، تأمل در آثاری است که شمار بیشتری از تفاسیر عقلی را در خود دارند. آیا تفاوت خاص در نگرش عرفانی مؤلفان آنان سبب این خردگرایی و استفاده بیشتر از این گونه تفسیر است؟ پاسخی که به این پرسش می‌توان داد نخست قرابت زمانی نویسندگان عارف به عصر خردورزی و شکوفایی علم در تمدن اسلامی یعنی قرن چهارم هجری است، و دیگر این‌که عرفا با تقسیم عقل به عقل معاش و معاد با آنکه در رسیدن به معرفت ناب در توانایی عقل شک کرده، اما هرگز نگفته‌اند که حیات و کمال انسانی بدون عقل معاد میسر و ممکن است. نمونه‌ای از تفسیر عقلی را از آیه ۳۵ سوره نور (۲۴) می‌توان دید: «الْلَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ - أَيْ «مُنَوَّرُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» یعنی: نوردهنده هفت آسمان و زمین و هرچه در میان آن است.» (کنوز الحکمة، ۲۲)

۳- تفسیر نقلی (روایی): پس از تفسیرهای عرفانی و عقلی، بالاترین رقم (۹۵ مورد) مربوط به تفسیر روایی یا ماثور از آیات قرآن است که نشان‌دهنده توجه و تقید علمی عرفا و متصوفه به احادیث در تفسیر قرآن است. روشی که نشان می‌دهد ایشان نیز از شیوه‌های معمول تفسیر قرآن آگاه بوده و در آثار خویش از آن بر حسب نیاز بهره برده‌اند. شایان ذکر است که در آثار عرفانی این قسم تفسیر تنها از قول شخص رسول اسلام (ص) یا صحابه ایشان روایت نمی‌شود، بلکه اولیای تصوف و مشایخ برجسته نیز مرجع روایت واقع می‌شوند و گفته‌های ایشان در جای خود با نهایت دقت و امانت نقل و بدان‌ها استناد می‌شود. نمونه‌ای از تفسیر نقلی: «وَالَّذِينَ

أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ^۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَلْإِسْلَامُ دَرَجَةٌ وَالْإِيمَانُ فَوْقَهُ دَرَجَةٌ وَالتَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ دَرَجَةٌ وَالْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى دَرَجَةٌ.» (التصفيه في احوال المتصوفه، ۲۱)

۴- تفسیر ترکیبی: رتبه چهارم به تفسیرهای ترکیبی می‌رسد که ۶۲ مورد را به خود اختصاص داده است. مقصود از تفسیر ترکیبی یا جامع، تفسیری است که در آن از شیوه‌های مختلف تفسیری استفاده می‌شود. این شیوه نشان می‌دهد عرفا و صوفیه در عین دلبستگی بیشتر به تأویل، هرگز خود را از دیگر روش‌های معتبر تفسیری بی‌نیاز نیافته و در کنار ذوق عرفانی از عقل یا نقل و یا ادب نیز بهره برده‌اند. نمونه‌های زیر ترکیبی از دو شیوه تفسیری‌اند:

الف) عقلی - عرفانی: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ (۳۱/۳) می‌گوید متابعت کنید به قدم نه قناعت کنید به دم. نشان متابعت کردن قدم زدن است نه قناعت کردن به دم زدن است، که نشان دوستی این است که با دوست بی به هر حال که می‌گردد.» (مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری، ۱۹۳/۱)

ب) روایی - عرفانی: «ابوعثمان گوید اندر معنی إِنْ إِيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵/۸۸): باز آیند اگرچه سرگردان شده باشند از مخالفت‌ها.» (ترجمه رساله ششیریه، ۱۴۵)

۵- تفسیر ادبی: شمار تفاسیر ادبی آیات قرآن در این پژوهش ۴۸ مورد است که بیانگر اهمیت نسبی زبان و ادبیات در فهم قرآن از یک سو و اهتمام عارفان بدان از سوی دیگر است، متفکرانی که در تاریخ اندیشه ایرانی چندان هم به خواندن درس رسمی شهرت ندارند و شمار بسیاری از آنان دانششان از نوع علم حضوری است. به طور کلی تفسیر ادبی قرآن شامل مباحث تحلیل واژگانی (صرف)، معناشناسی (مفردات القرآن)، نحوی (اعراب القرآن) و نیز بلاغی (اعجاز القرآن) است که همه این مباحث در متون مورد پژوهش ما وجود دارند. نمونه تفسیر ادبی را در این آیه می‌توان دید: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (۱۱/۴۲). این کاف اینجا زایده

است و معنی او لَيْسَ مِثْلَهُ شَيْءٌ است که اگر این کاف اینجا تحقیق گردد، او را مثلی باید تا بعد از آن آن مثل را مانده باشد.» (شرح تعرف، ۳۰۶/۱)

۶- تفسیر اخلاقی: ۲۵ آیه از قرآن با تفسیری حکیمانه در این کتاب‌ها دیده می‌شود. مقصود نویسندگان در تفسیر این آیات بیان نکات اخلاقی است، دانشی که بسیاری از عارفان آن را حاصل سیر و سلوک قلمداد کرده‌اند. از این رو مبنا در این شیوه تفسیر، عقل عملی (حکمت در فرهنگ اسلامی) است. اینک نمونه‌ای از تفسیر اخلاقی: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصِيَّتُكُمْ بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۵۳/۶) گفت: راه خدای عز و جل این است پس - روی کنید این را و پس روی مکنید راه‌های دیگر را که آنکه پراکنده شوید. مثل راه خدای عز و جل چون مثل شهری است و مثل راه‌روندگان چون مثل بازرگان است و مثل نفس ما چون مثل سرمایه بازرگان است. اگر بازرگان سرمایه درین شهر به آخرین نیکو عرض کند، سود بسیار کند و مایه بر جای خویش باشد و اگر ستد و داد نتواند کرد، مایه به زیان آرد و در رنج اوفتد و ملامت بسیار حاصل آید و حسرت و ندامت جاودان باقی ماند. قَالَ النَّبِيُّ (ص): أَلَدُّنِيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ؛ چون دنیا کشت‌زار آن جهان است، فردا همان دروی که امروز کاری.» (انس التائبین، ۹۲ و ۹۳)

۷- تفسیر کلامی: در این سی کتاب، ۱۵ آیه به شیوه متکلمان تفسیر شده است یعنی حدود ۲٪ مجموع آیات. در مورد علت کمی این نوع تفسیر باید گفت که اساساً عرفا مشرب فکریشان از متکلمان جداست، و اصلاً اثبات حقایق دینی به وسیله عقل که کار متکلمان است، در نظر ایشان امری ناپسند است. از این رو، گاه تنها برای اقناع مخاطب یا اثبات یک موضوع، ممکن است از ابزار علم کلام استفاده کنند. بیشترین نوع تفسیرهای کلامی را در کتاب شرح تعرف می‌بینیم که از نخستین کتاب‌های فارسی در شرح مبانی عرفان است، و این امری طبیعی است، زیرا استفاده از مباحث عقلی و استدلالی در کتاب‌هایی که به قصد شرح نوشته می‌شوند، امری

دور از انتظار نیست. نمونه‌ای از تفسیر کلامی را در این سخن خواجه عبدالله انصاری راجع به موضوع آیه أَلرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (۵/۲۰) می‌توان دید: «عبدالله در صفات الله جاهل است و ابله. ازو در اِسْتَوَى سؤال کردند. گفت: نه عرش بردارنده حق است به ضرورت، بل که حق بردارنده عرش است به قدرت. حق نه جای گیر است به حاجت، بل که حق‌نمایست به حجت.» (در هرگز و همیشه انسان، ۳۳۸)

۸- تفسیر قرآن با قرآن: شمار آیاتی که با شیوه قرآن با قرآن در این آثار تفسیر شده است، به ۱۵ مورد می‌رسد. این شیوه نزد عرفای قدیم ایرانی شناخته شده بوده است، اما نه به‌عنوان یک روش ثابت تفسیری، آن‌گونه که برخی مفسران معاصر بدان توجه تام دارند. روایت آنان از تفسیر قرآن به قرآن، شناختی است که در فضای یک ذهن باطن‌گرای عارفانه از تدبّر و تأمل عمیق در قرآن حاصل می‌شود؛ به عبارت دیگر، ایشان از ابتدا قصد آن را ندارند که آگاهانه با استفاده از آیه‌ای دیگر را تفسیر کنند، زیرا اگر چنین بود باید موارد بسیار بیشتری از این نوع تفسیر در آثارشان یافته می‌شد، در حالی که جست‌وجوی دقیق ما در متون عرفانی خلاف این را نشان می‌دهد. آنچه درباره این گونه تفسیر یعنی تفسیر قرآن با قرآن در نزد عارفان می‌توان گفت، این است که واردات قلبی و حالات روحانی ایشان، ذهنشان را از آیه‌ای به آیه‌ای دیگر که دارای عناصر مشترک لفظی یا معنوی هستند، متوجه می‌سازد. به همین جهت، این قسم تفسیر در آثار عرفانی متقدم فارسی اندک است. در میان نویسندگان مورد بررسی ما عین‌القضات در زمینه تفسیر قرآن با قرآن گوی سبقت را از دیگران ربوده و پس از وی مستملی بخاری، شارح کتاب التّعرف قرار دارد که این موضوع شاید حاکی از انس و احاطه بیشتر ایشان بر قرآن یا علاقه‌مندیشان بدین شیوه نسبت به بقیه نویسندگان است. نمونه‌ای از این شیوه تفسیری را از سخن عین‌القضات بخوانیم: إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ (۶/۱ و ۷): «صراط مستقیم راه راست اوست، باقی

همه راه‌ها معوج است. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي (۱۰۸/۱۲)» و «أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ (۱۵۳/۶)» کدام راه است؟ راه تقوی لا غیر. راه کیست؟ راه همه انبیا و اولیا است. «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» آن راه تقویست که اولین و آخرین راه، سلوک آن راه وصیت کرده‌اند از جناب ازل که «وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ (۱۳۱/۴)» «وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ (۱۵۳/۶)» «طُرُقَ الشَّيَاطِينِ». (نامه‌های عین‌القضات، ۲۴۹/۱)

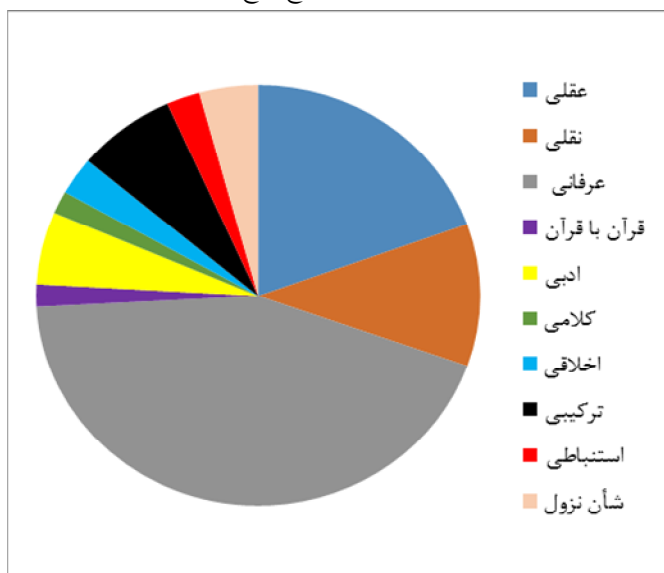
۹- تفسیر استنباطی: در کتاب‌های مورد بررسی ۲۱ آیه دیده می‌شود که عرفا آن‌ها را بدون توجه به شیوه‌های دیگر تفسیری، و صرفاً به رأی و نظر خویش تفسیر کرده‌اند؛ بدین معنی که برای استنباط خویش در پی هیچ قرینه لفظی یا معنوی نبوده‌اند. برای نمونه آیه «فَكَرُّ رَفِيَّةٍ» (۱۳/۹۰) که به معنی آزاد کردن برده است، در ترجمه رساله قشیریه (ص ۲۴۳) چنین تفسیر شده: «رهائی بود از ذلّ حرص». حال آنکه ردیله حرص نه از لفظ آیه برمی‌آید، و نه از معنی ثانوی عبارت، و نه از آیه‌های پیش و پس از آن. در نمونه‌ای دیگر شیخ جام، استنباط شخصی خویش را از «حکمت» در آیه «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَدْرُكُهُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (۲/۲۶۹) پس از آوردن اقوال مفسران، چنین بیان داشته است: «و به نزدیک ما علم من لدُنِّي است.» (بحارالحقیقه، ۳۴) این نوع تفسیر که تنها ۲٪ مجموع تفاسیر مندرج در پژوهش ماست، آن‌گونه تفسیر به رأیی نیست که در شرع از آن نهی شده، بلکه با روح کلی قرآن سازگار است، و به بیان مفهوم یا نکته‌ای می‌انجامد که در معارف صوفیه اهمّیت دارد. می‌توان گفت که تفسیر استنباطی تفسیر آیه است بی قرینه و شاهی از ظاهر آیات که در شیوه‌های دیگر از آن بهره می‌برند.

شأن نزول: آنچه در ستون آخر جدول بالا و دیگر نمودارها آمده، شمار مواردی است که نویسندگان آثار عرفانی به شأن نزول آیه‌ای اشاره کرده‌اند. این اشارت‌ها که در واقع بیان رویدادهای تاریخی یا اجتماعی عصر نزول قرآن هستند، می‌تواند برای

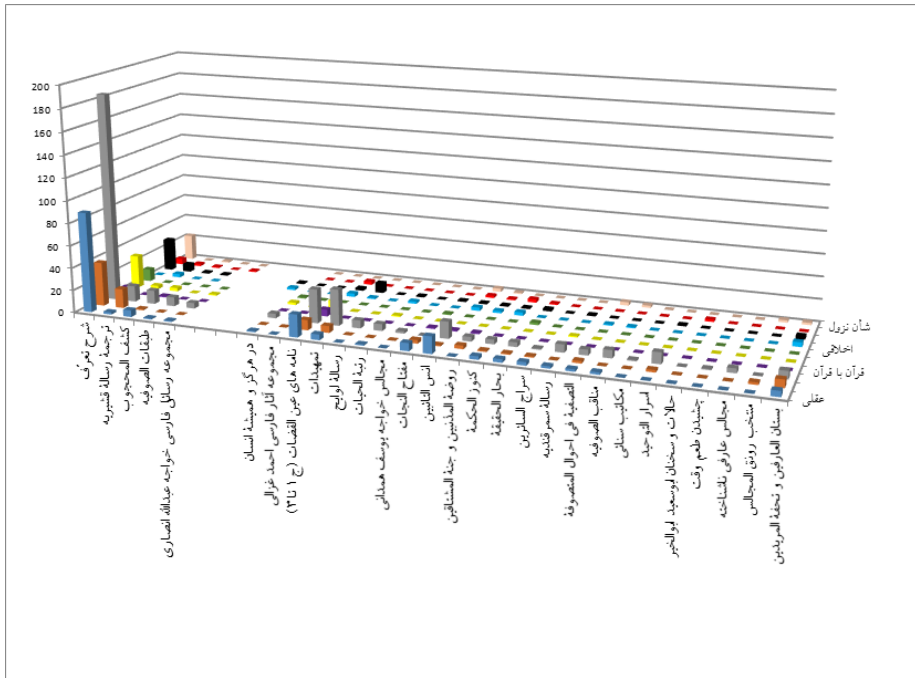
تمام مفسران قرآن سودمند باشد، زیرا ممکن است در بیان آن‌ها به نکاتی اشاره شده باشد که در دیگر منابع تفسیری یا تاریخی نیامده باشد. گفتنی است که شأن نزول‌ها را به دلیل داشتن ساختار روایت یا نقل (narration) باید در حوزه تفسیر روایی یا نقلی قلمداد کرد.

تمام اطلاعاتی را که در جدول تفسیرها آورده‌ایم، در نمودارهای دایره‌ای و ستونی زیر نشان داده‌ایم تا با یک نگاه بتوان میزان اهمیت تفسیرهای مختلف را در نزد نویسندگانی که آثارشان مورد بررسی واقع شده است، شناخت.

۱. نمودار دایره‌ای داده‌های نهایی (مجموع انواع تفاسیر) جدول بالا



۲. نمودار کلی و جامع داده‌های جدول بالا (رنگ‌ها مطابق رنگ‌های نمودار پیشین معرف روش تفسیرند.)



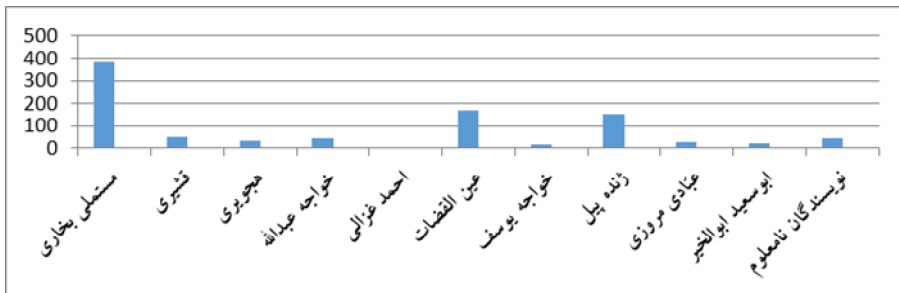
شمار نویسندگان و تفسیرهای هریک

با توجه به آثار بررسی شده که در آغاز مقاله بدانها اشاره کردیم، در مجموع ده تن از عرفای بنام ایرانی - تا نیمه قرن ششم - به تفسیر آیات قرآن در آثار منشور خویش پرداخته‌اند که به ترتیب زمانی عبارت‌اند از: مستملی بخاری، ابوسعید ابوالخیر، ابوالقاسم قشیری، هجویری، خواجه عبدالله انصاری، احمد غزالی، عین‌القضات همدانی، خواجه یوسف همدانی، شیخ احمد جام (ژنده پیل) و ابوالمظفر العبادی. حکیم سنائی نیز در تمام مکاتیب خود که تنها اثر منشور وی است، تنها یک آیه را تأویل کرده است. تفسیر آیات قرآن در چند متن عرفانی دیگر (متعلق به نیمه قرن ششم) نیز وجود دارد که نویسندگان آنها دقیقاً مشخص نیست. جدول و نمودار زیر نشان‌دهنده مجموع تفاسیر موجود در آثار هر یک از این نویسندگان می‌باشد:

۳. مجموع تفاسیر هر یک از نویسندگان

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
نویسندگان نامعلوم	ابو سعید ابوالخیر	عبادی مروزی	ژنده پیل	خواجه یوسف	عین القضاة	احمد غزالی	خواجه عبدالله	هجوری	قشیری	مستملی بخاری
۱۴	۲۰	۲۴	۱۵۱	۵۱	۱۶۱	۴	۱۴	۳۰	۴۸	۳۸۳

۴. نمودار ستونی داده‌های جدول ۳



نسبت شمار تفاسیرها با موضوع متون

نکته قابل استنباط دیگر با توجه به جدول شماره ۳ تناسب میزان تفسیر آیات قرآن با نوع و محتوای هر اثر است؛ بدین معنا که دلیل شمار بسیار تفسیر آیات قرآن در کتاب شرح تعریف این است که کتاب شرحی است بر تصوف و تلاش مستملی بخارایی برای شرح و توضیح مطالب التّعریف کلاباذی سبب می‌شود تا این کتاب اقتضای تفاسیر بیشتری از آیات را در خلال مطالب خود داشته باشد. عین‌القضاة پس از شرح تعریف، بیشترین میزان تفسیر از آیات قرآن را در آثار خویش دارد. علت اصلی این امر علاوه بر فراوانی کتاب‌های منشور عین‌القضاة، علاقه‌مندی‌اش به تفسیر آیات قرآن است، چنان‌که در آثار منسوب به او از تفسیر حقائق القرآن یاد

کرده‌اند که وی موفق به اتمام آن نشده (عین‌القضات، ۱۳۷۷؛ مقدمه: ۳) ضمن این‌که برخی از بخش‌های کتاب تمهیدات عین‌القضات (تمهید اصل اول و هشتم) و برخی مکاتیب او درباره حقیقت قرآن نگاشته شده است. سومین نفر در این مجموعه شیخ احمد جام است که ۱۵۱ تفسیر از آیات قرآن در آثار وی دیده می‌شود. دلایل این امر تعدد آثار منثور وی و نیز روابط عمیق او با مشایخ کرامی خراسان و مطالعه آثار ایشان است که اکثراً در زمینه تفسیر قرآن صاحب اثرند. (ر. ک: شفیع کدکنی، ۱۳۹۳: ۱۴۲-۱۳۵) نویسندگانی مانند هجویری، قشیری و خواجه عبدالله کسان‌اند که تمرکز آن‌ها بر روی مباحث اصلی و نظری تصوف است، و تنها برای اثبات یا تبیین یک موضوع عرفانی به تفسیر آیات قرآن می‌پردازند. از این رو، شمار تفسیر آیات در آثار این سه تن (هجویری، قشیری و انصاری) تقریباً به هم نزدیک است، و از این لحاظ اختلاف چندانی با هم ندارند. با عنایت به میزان تفاسیر در آثار خواجه عبدالله این نظریه شفیع کدکنی پذیرفتنی می‌نماید که خواجه عبدالله انصاری اثر مستقلی در تفسیر قرآن نداشته است^۳ چه اگر وی صاحب تفسیر بود، باید در دیگر آثار منثورش نیز تفاسیر بیشتری از آیات قرآن مشاهده می‌شد، در حالی که رقم مجموع تفاسیر او در همه رسائل و آثارش (۴۱) مابین رقم تنها اثر فارسی موجود هجویری (۳۰) و قشیری (۴۸) قرار دارد.

پس از این کتاب‌ها، به نوشته‌های کم‌تفسیر یعنی آثاری می‌رسیم که حداکثر ۲۵ تفسیر در آن‌ها دیده می‌شود. کمی تعداد تفاسیر در آثار متعلق به ابوسعید بدان جهت است که این نوشته‌ها نوعاً مقامات هستند؛ یعنی توسط افراد دیگر در مورد شیخ ابوسعید به نگارش درآمده‌اند. بنابراین نقل همه اطلاعات تفسیری شیخ توسط مقامات‌نویسان او که در حدود دو قرن پس از وی می‌زیسته‌اند، امری غیرممکن است، و لذا نباید کمی تفاسیر آثار متعلق به ابوسعید را به حساب آگاهی اندک او از معانی و مفاهیم قرآن گذاشت. قطب‌الدین اردشیر العبادی هم در روزگاری می‌زیسته

که مخاطبانش نسبت به مسائل و مبانی تصوف سرعت اقتناع و آمادگی بالای پذیرش داشته‌اند، و عبادی مروزی که واعظی بلیغ و خطیبی نامدار و بالتبع مخاطب‌شناس ماهری بوده است، نیک به این موضوع آگاهی داشته، و لذا در تحلیل و تبیین قواعد و اصول تصوف کمتر استشهاد به آیات و تفسیر قرآن را لازم می‌دیده است. (وی کتاب *التصفیه* را برای آن نوشته که طرق شریعت و طریقت را بر طالبان و جویندگان معلوم گرداند و سره از ناسره و عارف از جاهل باز شناسد.) در مورد خواجه یوسف همدانی که تنها ۱۵ آیه در دو اثرش تفسیر شده، باید گفت نوشته‌های او نوعاً مرتبط با مجالس وی است و در مجالس، زمینه تفسیرگویی به معنای خاص کلمه که نیازمند تأمل و تعمق است، کمتر فراهم است.

کمترین میزان تفسیر را در مجموعه آثار احمد غزالی می‌توان دید. دلیل این امر این است که آثار وی مجموعه‌ای از رساله‌های کوتاه و بلند عرفانی و نامه‌های اخوانی است که عمدتاً بر بنیاد جذبه و عشق و بی‌خودی نگاشته می‌شوند. لذا بدیهی و طبیعی است که تفسیر آیات قرآن که نوعاً به تعقل نیاز دارد و احتیاط علمی و دینی زیادی را می‌طلبد، در این نوشته‌ها کم باشد.

نتیجه

بررسی دقیق حدود سی کتاب نثر عرفانی فارسی که در محدوده قرن‌های پنجم و ششم نوشته شده‌اند، نشان می‌دهد که جست‌وجو و استخراج تفاسیر موجود در کتب غیرتفسیری فارسی برای علم تفسیر به طور عام، و برای تحقیقات ادب پارسی به شکل خاص اهمیت ویژه دارد. این کار سبب ایجاد فضای قدسی و آسمانی در یک متن گردیده و موجب القای درستی و حقانیت بقیه مطالب در خواننده می‌شود، و در نهایت باعث نفوذ و تداوم اثر می‌گردد. در این آثار ۹۲۵ آیه با ۹ شیوه یا گرایش تفسیری تفسیر شده است که بر اساس شمار به ترتیب زیر است:

عرفانی، عقلی، نقلی، ترکیبی، ادبی، اخلاقی، استنباطی، قرآن با قرآن و کلامی.

بیشترین آن‌ها عرفانی (۳۷۷ مورد) و کمترینشان کلامی و قرآن به قرآن (هر دو ۱۵ مورد) است. شمار بسیار تفسیرهای عرفانی که در تمام کتاب‌ها، به‌جز ترجمه رساله قشیریه بر همه انواع دیگر تفسیر پیشی گرفته، نشان‌دهنده اولویت و تقدم الهام و شهود به‌عنوان اصلی‌ترین منبع فهم عرفا از قرآن نسبت به دیگر منابع ادراکی انسان مانند عقل و نقل است. موضوع دیگر اهمیت عقل، نقل و ادبیات و لغت در نزد اهل عرفان و تصوف در کار تفسیر قرآن است که این امر ضرورت بازنگری و جست‌وجوی این مباحث را در آثار ایشان روشن می‌سازد. بررسی این متون نشان داد که شمار تفسیرهای هر کتاب با موضوع و نیز مؤلف آن - به دلایلی که در متن مقاله بدان اشاره کرده‌ایم، نسبت دارد. برای نمونه، کتاب‌های شرح شمار بیشتری از تفسیر را در بر دارند، در حالی که کتب مقامات کمتر بدین موضوع توجه کرده‌اند. مستملی بخاری بیشترین تفسیر از آیات قرآن را بیان کرده است، و احمد غزالی کمترین شمار تفسیر را در مجموعه آثار فارسی خود دارد. این پژوهش نشان داد که روش تفسیری قرآن به قرآن که در دوران معاصر مطرح و بدان توجه شده است، در نزد عارفان قدیم شناخته و رایج بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱- در مورد این کتاب‌ها باید گفت با اینکه نویسندگان آن در قرن ششم می‌زیسته‌اند، ولی به‌دلیل این‌که مطالب آن‌ها گفتارهای شیخ ابوسعید متوفی ۴۷۵ هجری است، و تا ظهور سلاجقه زنده بوده و از طرفی اهل تصوف در نقل اقوال و سخنان مشایخ - همانند احادیث رسول اسلام - نهایت دقت را روا می‌داشته، و با رعایت امانت کلمات آنان را می‌آورده‌اند، این کتاب‌ها را در زمره کتب قرن ۴ و ۵ باید به حساب آورد.

۲- مجادله (۵۸) ۱۱. تمام آیه عبارت است از: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.**

۳- در این باره ر. ک: در هرگز و همیشه انسان: از میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری، تألیف محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، چاپ دوم، تهران ۱۳۹۴، ص ۴۷ به بعد با عنوان: «پیر هری غیر از خواجه عبدالله انصاری است».



منابع

- قرآن کریم.
- ابوروح لطف‌الله بن ابی سعید، (۱۸۹۹)، حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر، تصحیح الیاس میرزا بوراغانسکی، چاپ اول، سن پترزبورگ.
- ابوسعید ابوالخیر، (۱۳۸۵)، چشیدن طعم وقت: از میراث عرفانی ابوسعید ابوالخیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن.
- انصاری هروی، ابواسماعیل عبدالله، (۱۳۸۶)، طبقات الصوفیه، مقدمه و تصحیح دکتر محمد سرور مولایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس.
- _____، (۱۳۷۷)، مجموعه رسائل فارسی، به تصحیح و مقابله دکتر محمد سرور مولایی، ج ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس.
- راشدی نیا، اکبر (مصحح)، (۱۳۹۴)، مجالس عارفان، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- رجائی بخارائی، دکتر احمدعلی (مصحح)، (۱۳۵۴)، دو رساله کهن در تصوف، براساس نسخه مورخ ۵۴۳ هجری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- سنائی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، (۱۳۷۹)، مکاتیب، به اهتمام و تصحیح نذیر احمد، چاپ نخست، تهران، انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، در هرگز و همیشه انسان: از میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری، تهران، نشر سخن.
- صفا، ذبیح‌الله، (۲۵۳۶)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، چاپ پنجم، تهران انتشارات امیرکبیر.
- العبادی، قطب الدین ابوالمظفر منصور بن اردشیر، (۱۳۶۸)، صوفی‌نامه؛ التصفیه فی احوال المتصوفة، به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ دوم، تهران، انتشارات محمدعلی علمی.

- _____، (۱۳۶۲)، مناقب الصّوْفیّیه، به کوشش
محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، چاپ اول، تهران، انتشارات کتابخانه منوچهری.
- _____ عثمانی، ابوعلی حسن بن احمد، (۱۳۸۳)، ترجمه رساله قشیریّه، تصحیحات و استدراکات بدیع
الزمان فروزانفر، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ غزالی، احمد، (۱۳۷۶)، مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، به اهتمام احمد مجاهد، چاپ سوم،
انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ غزنوی، سدیدالدین محمد، (۱۳۴۵)، مقامات ژنده‌پیل، به تصحیح دکتر حشمت الله مؤید
سندجی، چاپ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____ مستملی بخاری، خواجه امام ابوالبراهیم اسماعیل بن محمد، (۱۳۶۳)، شرح التّعرف لمذهب
التّصوّف، با مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد روشن، ج ۴ - ۱، انتشارات اساطیر، چاپ اول، تهران.
- _____ محمد بن منور، (۱۳۹۰)، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، مقدمه و تصحیح دکتر
محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۱، چاپ دهم، تهران، انتشارات آگاه.
- _____ معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- _____ نامقی، احمد جام (ژنده‌پیل)، (۱۳۶۸)، انس التائبین، به تصحیح دکتر علی فاضل، چاپ اول،
تهران، انتشارات توس.
- _____، (۱۳۸۹)، بحار الحقیقه، به تصحیح دکتر حسن نصیری جامی، چاپ
اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____، (۱۳۹۶)، رساله سمرقندیّه، مقدمه و تصحیح دکتر حسن نصیری
جامی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____، (۱۳۷۲)، روضة المذنبین و جنة المشتاقین، به تصحیح و مقدمه
دکتر علی فاضل، چاپ دوم، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- _____، (۱۳۸۹)، سراج السائرين، مقدمه، تصحیح و توضیح: حسن نصیری
جامی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____، (۱۳۸۷)، كنوز الحكمة، پژوهش علی فاضل، تعلیقات و تصحیح
دکتر حسن نصیری جامی، چاپ اول، تهران، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____، (۱۳۴۷)، مفتاح النجات، به تصحیح دکتر علی فاضل، تهران،
انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- همدانی، خواجه یوسف، (۱۳۶۲)، رتبه الحیات، تصحیح دکتر محمدمین ریاحی، چاپ اول، تهران، انتشارات توس.
- همدانی، عین القضاة، (۱۳۷۷)، تمهیدات، تصحیح و تحشیة عفیف عسیران، چاپ پنجم، تهران، انتشارات کتابخانه منوچهری.
- _____، (۱۳۷۹)، رسالۀ لویح، به تصحیح و تحشیة دکتر رحیم فرمنش، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کتابخانه منوچهری.
- _____، (۱۳۷۷)، نامه‌ها، به اهتمام دکتر علینقی منزوی و دکتر عفیف عسیران، ج ۱ تا ۳، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر.
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان، (۱۳۸۴)، کشف المحجوب، به تصحیح دکتر محمود عابدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش.